

راهبردهای افزایش مقاومت پذیری اقتصاد ایران با نگاهی به آینده اقتصاد مقاومتی

محمداعظم رجیبیان

احمد صباحی

محمد رضا لطفعلی پور

مهدی بهنام

چکیده

اقتصاد مقاومتی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشور در سال‌های اخیر است. اندازه‌گیری تاب‌آوری اقتصادی یکی از موضوعات مهمی است که می‌تواند برنامه‌ریزان را در نیل به اهداف یاری نماید. در این مقاله با استفاده از تجربیاتی که در سنجش مقاومت‌پذیری اقتصاد وجود دارد، به اندازه‌گیری میزان مقاومت اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵ پرداختیم. شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی شامل تمرکز تجاری، سلامت بانکی، وابستگی تجاری، ذخایر بین‌المللی، استحکام بیرونی، بدهی بخش خصوصی، حکمرانی خوب، اثربخشی دولت، پایداری اقتصاد کلان و وابستگی بودجه به نفت است. نتایج نشان می‌دهد شاخص مقاومت اقتصادی تا سال ۱۳۸۰ دارای یک‌روند افزایشی بوده و پس از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۹ با کاهش مستمر همراه بوده که در سال ۱۳۸۹ به کمترین میزان خود رسیده است. سپس روند رو به رشد تا سال ۱۳۹۰ ادامه می‌یابد و با اتفاقاتی که در سال ۱۳۹۱ و وضع تحریم‌های بین‌المللی رخ داده است، این شاخص کاهش می‌یابد. از سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت یازدهم، روند صعودی شاخص را شاهد هستیم.

واژه‌های کلیدی: مقاومت‌پذیری، اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اقتصادی

rajabian@kefa.ir

Esabahi@um.ac.ir

lotfalipour@um.ac.ir

m.behname@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۱۴

فصلنامه راهبرد، سال بیست و هفتم، شماره هشتاد و نه، زمستان ۱۳۹۷، صص ۳۴-۵

دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۲۷

مقدمه

موضوع اقتصاد مقاومتی در سال‌های اخیر، به‌ویژه بعد از بحران مالی ۲۰۰۸، مورد توجه نخبگان این حوزه قرار گرفته است. زیرسیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، حکمرانی، فناوری، زیست‌محیطی و ... باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند مخاطرات درونی و بیرونی را جذب کنند و خود را با محیط بسیار متحول با حفظ ثبات و کارکردهای سیستم انطباق دهند.

ناگفته پیداست که علل تأکید بر اهمیت مقاومت اقتصادی، نه تنها به پیشرفت دیگر جوامع در این باره، بلکه به ماهیت و ضرورت پرداختن به تاب‌آوری به سبب وجود مخاطراتی است که کشور با آنها روبه‌رو است. مخاطرات ناشی از نوسانات منابع حاصل از صادرات نفت و تحریم‌های بین‌المللی به‌عنوان نمونه‌ای از مخاطرات بیرونی بر اقتصاد ایران هشداردهنده آن است که مقاومت اقتصاد ملی در برابر اختلال‌های خارجی بسیار مهم بوده و تحقق رشد شتابان و پایدار هدف‌گذاری شده در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور مستلزم ارتقای سطح مقاومت اقتصاد ملی است.

با توجه به رویدادها و مشکلات متنوع و بزرگی که برخی کشورها طی سال‌های اخیر در حوزه اقتصاد برای ایران به وجود آورده‌اند، ارائه یک الگوی منسجم برای مقاوم‌کردن اقتصاد متناسب با ظرفیت‌های کشور ضروری به نظر می‌رسد. اقتصاد مقاوم، اقتصادی است که در برابر شوک‌های وارده کمترین آسیب را ببیند. در ادبیات بین‌الملل معیارهایی برای شناخت میزان مقاومت‌پذیری اقتصاد وجود دارد. بریگاگلیو^۱ و

بورمن^۱ مطالعات زیادی در این زمینه داشته و شاخص‌هایی برای میزان تاب‌آوری اقتصاد معرفی کرده‌اند.

تاب‌آوری اقتصادی میزان توانایی اقتصاد برای بازگشت به کارکرد عادی خود پس از مواجهه با شوک وارده را مورد بحث قرار می‌دهد. شوک وارده به اقتصاد می‌تواند ناشی از عوامل بیرونی یا ضعف‌های درونی اقتصاد باشد (دانش‌جعفری، ۱۳۹۲: ۲۵). بنابراین مقاومت اقتصادی به معنای حصارکشیدن به دور خود نیست، بلکه یک مجموعه سیاست‌هاست که مقاومت اقتصاد را در برابر شوک‌های وارده افزایش می‌دهد.

در ادبیات جهانی از مفهوم مشابه اقتصاد مقاومتی با عنوان تاب‌آوری اقتصادی یاد می‌شود. در بسیاری از لغت‌نامه‌ها، تاب‌آوری را به توانایی بازگشت سریع به حالت نخست بر اثر آثار خارجی ناگوار تعبیر می‌کنند. در ادبیات اقتصادی، اقتصاد مقاومتی با سه توانایی تعریف می‌شود: توانایی بازیابی و برگشت به حالت نخست بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم؛ توانایی ایستادگی و مقابله در مقابل تکان‌ها یعنی جذب شوک و سوم، توانایی اجتناب از شوک.

این توانایی‌ها و آسیب‌ناپذیری در سال‌های اخیر مورد توجه مطالعات خارجی نیز قرار گرفته است. گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۴ بانک جهانی، گزارش رقابت‌پذیری ۲۰۱۳ مجمع جهانی اقتصاد و اجلاس داووس ۲۰۱۳ از نمونه اسناد سازمان‌های بین‌المللی در خصوص تاب‌آوری اقتصاد ملی است (غیاثوند، ۱۳۹۳: ۱۸).

این مقاله در پنج بخش سازمان یافته است. مقدمه حاضر بخش نخست مقاله را تشکیل می‌دهد. در بخش دوم مبانی نظری در رابطه با اقتصاد مقاومتی و شاخص‌های آن ارائه شده است. در بخش سوم پیشینه تحقیق، بخش چهارم روش تحقیق و برآورد مدل و در بخش پایانی نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

در سال‌های اخیر تعاریف مختلف و دقیقی از مقاومت در اقتصاد ارائه شده

است. از نظر روس^۱ (۲۰۰۹) تاب‌آوری اقتصادی^۲ می‌تواند به دو صورت ایستا و پویا تعریف شود. تاب‌آوری اقتصادی ایستا^۳ توانایی یک سیستم در حفظ وظیفه‌اش (مانند تداوم تولید) هنگام بروز شوک است. این تعریف با مسئله بنیادی اقتصاد، یعنی تخصیص کارای منابع هم‌تراز است که هنگام وقوع فجایع تشدید می‌شود.

یک تعریف عمومی‌تر که ملاحظات پویا را دربر می‌گیرد و می‌تواند مقاومت اقتصادی پویا^۴ نامیده شود، «سرعتی است که یک سیستم از یک شوک شدید بهبود پیدا می‌کند تا حالت مطلوبش را به دست آورد». این نوع مقاومت نسبتاً پیچیده‌تر است، زیرا مسئله سرمایه‌گذاری بلندمدت همراه با تعمیر و بازسازی را شامل می‌شود که فرایندهایی قابل اجرا برای مراحل بعد از حادثه هستند. مقاومت هم از محرک‌های داخلی و هم از محرک‌های تصمیمات سیاسی عمومی یا خصوصی ناشی می‌شود (میلتی، ۱۹۹۹). در زمان بحران‌ها، توانایی جذب زیان یا بهبود سریع می‌تواند عملکردی (ذاتی)^۵ یا اکتسابی (تطبیقی)^۶ باشد. مقاومت ذاتی اشاره به توانایی معمولی مقابله با بحران‌ها دارد. این توانایی‌ها می‌تواند قبل از حادثه افزایش پیدا کند. مقاومت تطبیقی اشاره به توانایی حفظ وظیفه در شرایط بحرانی از طریق مهارت و تلاش زیاد دارد.

در ادبیات اقتصاد بین‌الملل دو مطالعه مطرح در خصوص مقاومت اقتصادی وجود دارد که شاخص‌هایی را برای اندازه‌گیری مقاومت اقتصادی کشورها معرفی و اندازه‌گیری می‌کند. نخستین مطالعه، مطالعه بریگاگلیو و گالی در سال ۲۰۰۳ است. آنها در سال ۲۰۰۳، شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی را در شاخصی با عنوان «شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی تعدیل شده برای مقاومت» به مفهوم مقاومت

-
1. Rose
 2. Economic Resilience
 3. Static Economic Resilience
 4. Dynamic Economic Resilience
 5. Operational (Inherent)
 6. Acquired (Adaptive)

اقتصادی مرتبط کردند. آنها GDP سرانه را به‌عنوان یک شاخص ساده مقاومت اقتصادی مطرح کردند، زیرا این متغیر توانایی کشور برای مقابله با آسیب‌پذیری را دربر می‌گیرد. شاید بار منفی آسیب‌پذیری سبب شد تا در سال ۲۰۰۶، بریگالکیو نخستین شاخص تاب‌آوری اقتصادی را ارائه دهد. از نگاه وی، مقاومت اقتصادی حداقل سه توانایی مستتر در یک اقتصاد را نشان می‌دهد:

۱. توانایی اقتصاد در اجتناب از این شوک‌ها؛

۲. توانایی اقتصاد در تحمل اثر این شوک‌ها؛

۳. توانایی اقتصاد در بازیابی سریع از شوک‌های اقتصادی تخریب‌کننده بیرونی. توانایی ایستادن در برابر شوک‌ها هنگامی متصور است که شوک‌ها خنثی یا ناچیز باشند. همچنین این نوع مقاومت هنگامی ممکن است که اقتصاد از مکانیسم‌هایی برخوردار باشد که آثار شوک‌ها را کاهش دهد که با عنوان «جذب شوک» از آن نام برده می‌شود. برای مثال، وجود بازاری انعطاف‌پذیر می‌تواند ابزاری برای جذب شوک‌ها عمل کند (بریگالکیو، ۲۰۱۱: ۱۳).

بریگالکیو چارچوبی را برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی پیشنهاد کرده که شامل چهار عامل اساسی پایداری اقتصاد کلان، انعطاف‌پذیری بازار، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعی است.

بورمن و دیگران (۲۰۱۳) دومین مطالعه درخصوص تاب‌آوری اقتصادی را انجام داده‌اند. آنها به‌منظور بررسی توانایی کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور^۱ (EMDC) برای مقابله با شوک‌ها، در مقاله‌ای با عنوان «شاخص مقاومت ستیننتال: اندازه‌گیری تاب‌آوری کشورها در مقابل شوک‌ها» مقدار تاب‌آوری اقتصادی این کشورها را بررسی کردند. برای ساخت شاخص تاب‌آوری اقتصادی ۵۲ متغیر در ۱۰ زیرشاخص طبقه‌بندی شده‌اند.

شاخص‌های اصلی عبارتند از:

✓ سلامت در سیاست مالی (نسبت بدهی دولت به GDP)؛

✓ سلامت در سیاست پولی (اختلاف نرخ تورم با تورم کشورهای G7)؛

✓ اثربخشی دولت (نمره کیفیت دیوان‌سالاری و سازگاری سیاست / برنامه‌ریزی جلونگر و دیوان‌سالاری)؛

✓ حکمرانی خوب (شاخص توسعه مالی که متغیرهایی نظیر راهبری شرکت‌ها، جنبه حقوقی حکمرانی و شفافیت سیاسی را شامل می‌شود)؛

✓ سلامت بانکی (شاخص کیفیت دارایی، سرمایه و ریسک درآمد که از شاخص سلامت مالی IMF به دست می‌آید)؛

✓ تنوع صادراتی (تنوع کالا و مقصد صادراتی که از شاخص تمرکز صادراتی به دست می‌آید)؛

✓ عدم وابستگی صادراتی (نسبت صادرات به GDP)؛

✓ استحکام بیرونی (نسبت تراز تجاری به GDP، نسبت منابع بین‌المللی به بدهی کوتاه‌مدت، معیار توانایی نظام ارزی)؛

✓ بدهی بخش خصوصی (نسبت اعتبار خصوصی سپرده‌ها به GDP، نسبت مطالبات بانک‌های خارجی از افراد کشور به GDP)؛

✓ ذخایر بین‌المللی (نسبت ذخایر بین‌المللی به GDP و نسبت سرمایه‌گذاری خالص به GDP).

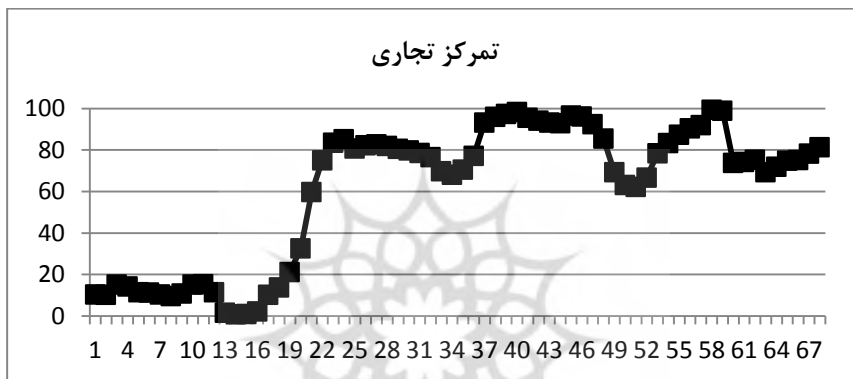
با توجه به شاخص‌های مطرح‌شده در دیدگاه بورمن، بریگاکلیو و همچنین محدودیت داده‌ها برای اقتصاد ایران، شاخص‌های زیر به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های تاب‌آوری اقتصاد مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. تمامی شاخص‌ها برای اندازه‌گیری شاخص تاب‌آوری اقتصادی استاندارد شده‌اند و مقادیر بین صفر و ۱۰۰ خواهند داشت (در بخش روش تحقیق به نحوه شاخص‌سازی اشاره می‌شود).

۱-۱. تمرکز تجاری

شاخص تمرکز تجاری نمایانگر آن است که یک کشور تا چه حد، تجارت خود را بر روی محصولات مختلف توزیع کرده است (کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل، ۲۰۰۸). این شاخص مجموع توان دوم نسبت سهم صادرات و واردات کشور از گروه‌های کالایی مختلف را به‌کل صادرات و واردات آن کشور نشان می‌دهد.

این شاخص نرمال‌سازی شده و دامنه تغییرات آن بین صفر و یک است، به نحوی که هر قدر یک کشور صادرات و واردات خود را بر روی محصولات بیشتری توزیع کرده باشد، مقدار این شاخص به صفر بیشتر نزدیک بوده و مقدار یک نشان‌دهنده حداکثر تمرکز تجاری است. هرچه یک کشور تمرکز تجاری بالاتری داشته باشد، میزان مقاومت‌پذیری آن پایین‌تر خواهد بود؛ لذا این مسئله در استانداردسازی متغیر لحاظ می‌شود.

نمودار ۱. روند تغییرات متغیر تمرکز تجاری طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: محاسبات تحقیق

همان‌طور که در نمودار ۱ مشخص است شاخص تمرکز تجاری در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۳ بسیار پایین است که پس از آن افزایش چشم‌گیری یافته و میزان وابستگی تجاری به کالاهای محدود افزایش یافته است.

۲-۱. سلامت بانکی

در این شاخص با مبنا قرار دادن الگوی کملز^۱ به‌عنوان یک سیستم هشداردهنده سریع به دنبال ارزیابی وضعیت سلامت شبکه بانکی کشور هستیم. همان‌طور که ایوانز^۲ (۲۰۰۰) مطرح کرد و بانک تسویه بین‌المللی نیز با استفاده از شاخص‌های معرفی‌شده توسط ایوانز تأیید کرده است، شاخص‌های کملز می‌توانند نقاط اصلی

1. CAMELS

2. Evans

آسیب‌پذیری سیستم بانکی را به‌خوبی شناسایی کرده و دلایل مربوطه را نیز توضیح دهند. این متغیر از ۶ زیرشاخص تشکیل شده است:

۱-۲-۱. **کفایت سرمایه** (حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد است). این نسبت نخستین‌بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بال^۱ به بانک‌های دنیا معرفی شد. کمیته بال در آن سال مجموعه‌ای از شروط حداقل سرمایه را به بانک‌ها پیشنهاد کرد که بعدها به «پیمان بال» معروف شد. بر اساس مطالعات اسپال و داوان (۲۰۱۴)، دنگ (۲۰۱۱) و رمان و سارجو (۲۰۱۳)، هرچه شاخص کفایت سرمایه یک بانک بیشتر باشد، توانایی بیشتری برای پرداخت بدهی با بروز مشکل و افزایش مراجعات به بانک‌ها را خواهند داشت.

۲-۲-۱. **کیفیت دارایی** (بر اساس سه نسبت «مطالبات غیر جاری»، «تسهیلات در فعالیت‌های اقتصادی» و «دارایی‌های درآمدزا» اندازه‌گیری می‌شود). کیفیت دارایی‌ها در بانک‌ها مستقیماً با عملکرد مالی آنها در ارتباط است. ارزش تسهیلات، وابسته به ارزش نقدشدن وثایق آن است، درحالی‌که ارزش سرمایه‌گذاری‌ها وابسته به ارزش بازار است.

۳-۲-۱. **سودآوری بانک‌ها** (در این شاخص، از نسبت‌های «بازدهی دارایی و بازدهی سرمایه» و نسبت‌های «حاشیه سود و حاشیه عملیاتی» استفاده شده است). این نسبت نشان می‌دهد که بانک‌ها چند درصد از منابع خود را به فعالیت‌های سودآور تخصیص داده‌اند.

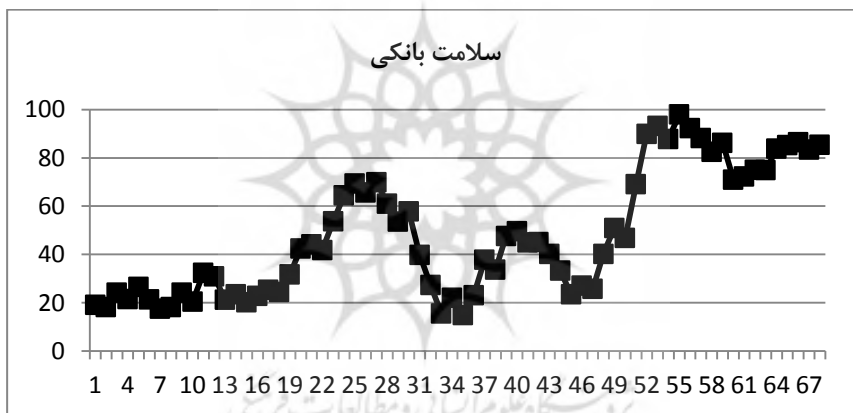
۴-۲-۱. **نقدینگی** (بررسی کیفیت نقدینگی بر اساس مؤلفه‌هایی مانند «نسبت مقاومت بانک در شرایط بحران نقدینگی»، «پوشش نوسانات»، «نسبت پوشش بدهی کوتاه‌مدت» و «نسبت بدهی پرنوسان» انجام می‌شود). بانک‌ها در شرایطی که تأمین مالی وجوه مورد نیاز خود در بازار سپرده‌گیری اعم از مشتریان خود یا در بازارهای بین‌بانکی را از دست می‌دهند، مستعد ریسک نقدینگی می‌شوند.

۵-۲-۱. **کیفیت مدیریت** (از نسبت‌های «بهره‌وری» «کارکنان و شعب») و

«کارایی» استفاده می‌کند). ارزیابی کیفیت مدیریت، میزان هزینه هر واحد پولی را که تسهیلات داده می‌شود، نشان می‌دهد. لذا کاهش آن منجر به افزایش کارایی و سودآوری نهادهای مالی می‌شود. شاخص کیفیت مدیریت بیانگر این موضوع است که بانک‌ها در «کسب سود» و «مدیریت هزینه» در مقایسه با دیگر گروه‌ها عملکرد بهتری داشتند. در «کارایی» نیز نسبت تسهیلات به سپرده که ظرفیت خلق تسهیلات را از محل سپرده نشان می‌دهد در نظر گرفته می‌شود.

۱-۲-۶. حساسیت به ریسک بازار (این شاخص، در سه بخش «حساسیت به نرخ ارز»، «حساسیت نسبت به نرخ بهره» و «حساسیت نسبت به قیمت سهام» سرمایه بانک‌ها را برای پوشش ریسک تغییرات این شاخص اندازه‌گیری می‌کند).

نمودار ۲. روند تغییرات متغیر سلامت بانکی طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: محاسبات تحقیق

در نمودار ۲ تغییرات متغیر سلامت بانکی طی دوره مورد بررسی نمایش داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در ابتدای دوره این شاخص اعداد پایینی را نشان می‌دهد که از سال ۱۳۸۳ روند رو به رشد آغاز می‌شود و تا سال ۱۳۸۵ نیز ادامه دارد. سپس کاهش شاخص را شاهد هستیم و از سال ۱۳۹۰ مجدداً رشد شاخص سلامت بانکی را داریم که در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به حداکثر خود می‌رسد و با روی کار آمدن دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ و اصلاحات سیستم بانکی، روند کاهشی شاخص شروع می‌شود.

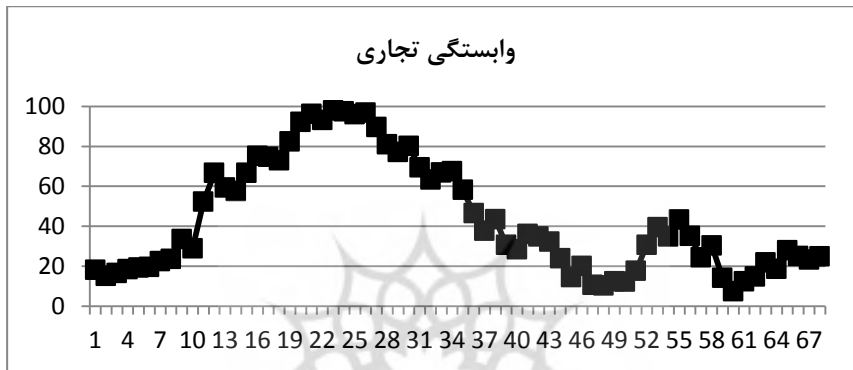
۱-۳. وابستگی تجاری

وابستگی تجاری نشان‌دهنده میزان حجم تجارت خارجی کشور است. هرچه کشوری حجم صادرات و واردات بیشتری داشته باشد، آسیب‌پذیری آن نیز بیشتر خواهد بود. زیرا وابستگی به درآمدهای صادراتی می‌تواند اقتصاد را آسیب‌پذیرتر کند و همچنین هرچه واردات کالاهای اساسی بیشتر باشد، کشور در تأمین نیازهای نخستین خود در شرایط بحرانی دچار مشکل خواهد شد. وابستگی حداقل نیمی از صادرات کشور به یک محصول خاص که موجب خواهد شد در صورت ایجاد اختلال در صادرات آن محصول، هم بخش وسیعی از تولید و اشتغال داخل و هم سهم قابل توجهی از درآمدهای ارزی کشور دچار نقصان گردد. وابستگی به صادرات یکی از آسیب‌پذیری‌های اقتصاد به شمار می‌رود و اقتصاد را در معرض شوک‌های ناشی از تحریم خرید کالا قرار می‌دهد. اگرچه تجارت آزاد و تعاملات گسترده با اقتصاد جهان باعث افزایش رفاه جامعه شده و درآمد کشور را از طریق صادرات افزایش می‌دهد، اما محدود بودن کالاهای صادراتی یا مقصد صادرات باعث افزایش ریسک تجارت بین‌المللی می‌شود. برای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد باید هم تنوع صادراتی کشور را افزایش داده و کالاها و خدمات گسترده‌تری را صادر کنیم و هم شرکای تجاری خود را افزایش دهیم و با تعداد بیشتری از کشورهای دنیا تعامل داشته باشیم. تنوع بخشیدن به صادرات با تقویت بخش تولید و خدمات از طریق حمایت‌های مالی، افزایش بهره‌وری و دانش‌بنیان کردن اقتصاد قابل تحقق است. تنوع بخشیدن به بازارهای بین‌المللی یکی از راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد خواهد بود. متنوع بودن بازار برای صادرات موجب می‌شود که با تحریم، شوک درآمدی از ناحیه صادرات به کشور وارد نشود.

جنبه دیگر خطرپذیری اقتصاد، وابسته بودن به کالاهای استراتژیک و سرمایه‌ای است. این وابستگی اقتصاد را در معرض شوک‌های ناشی از تحریم صادرات این دسته از کالاها به داخل کشور قرار می‌دهد. در اینجا شوک به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی صورت می‌گیرد. همچنین اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود برطرف شود، خطر بروز شوک چندین برابر

می‌شود. در مورد تجارت بین‌المللی اصل بر این است که شرکای تجاری خود را گسترده کنیم و سطح تعاملات تجاری خود را با هر کشور از حد معینی بالاتر نبریم که در صورت تحریم یا بروز شوک، اقتصاد دچار تلاطم شدید نشود و بتواند به راحتی به دنبال جایگزین مناسب باشد. برای اندازه‌گیری میزان وابستگی تجاری کشورها از حاصل جمع صادرات و واردات بر تولید ناخالص داخلی استفاده می‌شود.

نمودار ۳. روند تغییرات متغیر وابستگی تجاری طی دوره ۱۳۹۵-۱۳۷۹



مأخذ: محاسبات تحقیق

در نمودار ۳ میزان شاخص وابستگی تجاری را ملاحظه می‌کنیم. در سال ۱۳۸۵ بیشترین میزان وابستگی تجاری را در کشور داشته‌ایم و پس از آن روند رو به افت شاخص شروع شده است که در سال ۱۳۹۳ کمترین حجم تجارت خارجی را در کشور شاهد هستیم و پس از آن شاخص وارد افزایش اندکی شده است.

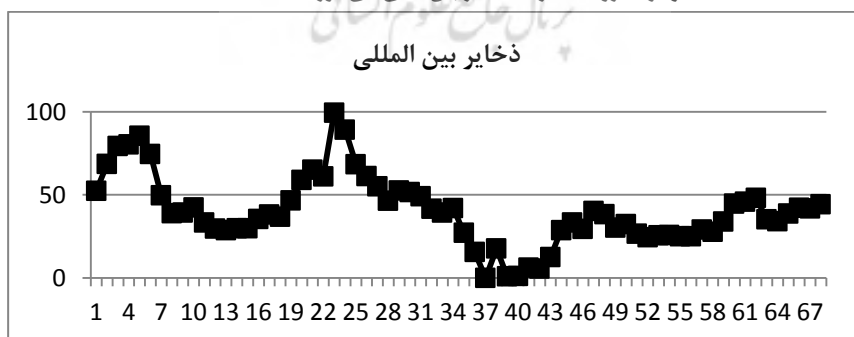
۴-۱. ذخایر بین‌المللی

جدای از بعضی محدودیت‌ها، افزایش ذخایر باعث افزایش اطمینان و قدرت خود بیمه‌ای آنها می‌شود. به عبارت دیگر موجودی بالای ذخایر، فضای بیشتری برای مانور به تصمیم‌گیران می‌دهد و همچنین اعتماد به نفس بیشتری جهت اتخاذ سیاست‌های انبساطی در رکود می‌دهد. بنابراین موجودی بالای ذخایر مانند سپری در برابر شوک‌های خارجی عمل می‌کند. درحالی‌که به نظر می‌رسد موجودی بالای ذخایر باعث بهبود وضع کشور می‌شود، اما هزینه‌های بسیار مهمی در این زمینه وجود دارد. علاوه بر این، مطالعه اخیر صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که

جنبه‌های خودبیمه‌ای به تدریج بعد از سطح خاصی از موجودی ذخایر کاهش یافته است. سرمایه‌گذاری خارجی مثبت حاکی از قدرت مانور بالا برای بخش خصوصی و بخش عمومی خواهد بود. اجزای این زیربخش شامل نسبت ذخایر بین‌المللی به GDP و نسبت سرمایه‌گذاری خالص به GDP است.

ذخایر بین‌المللی بنا به تعریف شامل دارایی‌های خارجی از قبیل طلا، ارز خارجی، وضعیت ذخایر در صندوق بین‌المللی پول برحسب دلار آمریکا است که توسط مقامات پولی نگهداری می‌شوند. در تعریف کلی‌تر که وظایف و ویژگی‌های ذخایر بین‌المللی را بیان می‌کند می‌توان گفت: ذخایر (بین‌المللی) خارجی یک کشور عبارت است از موجودی‌های طلا، بستانکاری‌ها و دارایی‌های خارجی که در تسویه بدهی‌های خارجی مورد قبول باشد و برای این منظور و نیز برای ایستادگی در برابر نوسان‌ها و عدم تعادل کوتاه‌مدت تراز پرداخت‌ها در دسترسی مؤسسات پولی کشور قرار داشته باشد. نگهداری ذخایر بین‌المللی، شکل‌گیری سیاست‌های مؤثر را تسهیل می‌کند، زیرا در این صورت دیگر نیاز به انجام سیاست‌های تعدیل پیش از موقع نیست. داشتن ذخایر فراوان در برابر کسری‌ها، دولت‌ها را قادر می‌سازد که تا از ظهور اصلاحات ناخوشایند که در نهایت مشکل‌ساز خواهد بود، جلوگیری کنند. بنابراین هرچه ذخایر بین‌المللی یک کشور بیشتر باشد، اقتصاد مقاوم‌تر خواهد بود و در مقابل شوک‌های مخالف آسیب‌پذیری کمتری خواهد داشت.

نمودار ۴. روند تغییرات ذخایر بین‌المللی طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



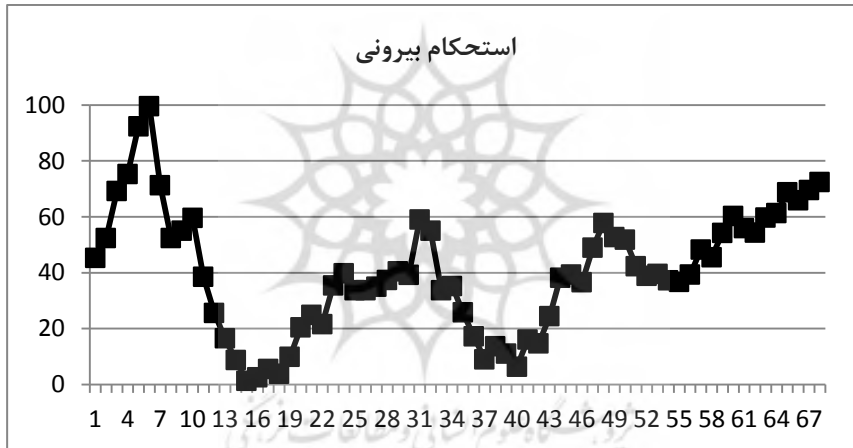
مأخذ: بانک جهانی

در نمودار ۴ تغییرات ذخایر بین‌المللی کشور طی دوره مورد بررسی نمایش داده شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود حداکثر میزان ذخایر کشور در سال ۱۳۸۵ بوده که پس از آن با کاهش مواجه شده و در سال ۱۳۸۹ کمترین میزان خود را داشته است.

۱-۵. استحکام بیرونی

بخش خارجی قوی‌تر، اقتصاد مقاوم‌تر را به دنبال خواهد داشت. اجزای آن شامل تراز حساب جاری به صورت نسبی از تولید ناخالص ملی، نسبت منابع بین‌المللی به بدهی کوتاه‌مدت، موجودی منابع طبیعی است.

نمودار ۵. روند تغییرات متغیر استحکام بیرونی طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: محاسبات تحقیق

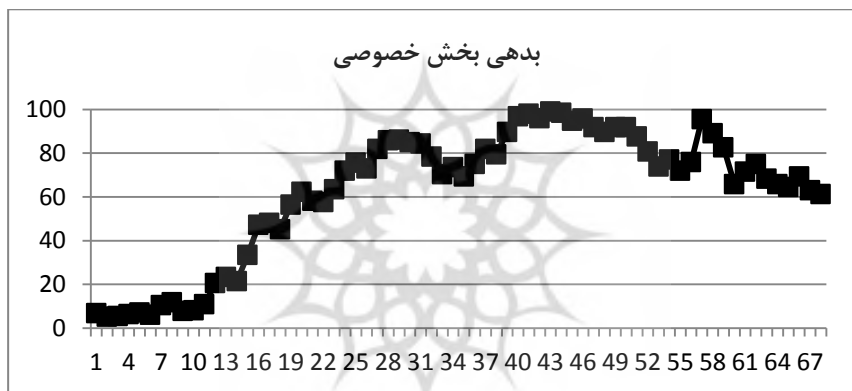
همان‌طور که از نمودار ۵ استنباط می‌شود استحکام بیرونی کشور در سال ۱۳۸۰ بهترین وضعیت را داشته است که پس از آن روند کاهشی این شاخص شروع شده است و در سال ۱۳۸۳ در پایین‌ترین حد خود قرار دارد. سپس روند رو به رشد متغیر مذکور شروع شده که با فراز و نشیب‌هایی یک روند صعودی را نشان می‌دهد.

۱-۶. بدهی بخش خصوصی

زیرشاخص‌های بدهی بخش خصوصی شامل بدهی خارجی و بدهی داخلی

می‌شود. بدهی داخلی بیشتر شامل اعتبارات بانکی محلی به بخش خصوصی و رشد بیش از حد آن است که می‌تواند به بی‌ثبات کردن حساب‌های دارایی منجر شود. با توجه به بدهی‌های خارجی، گسترش سریع تر وام و اعتبار از خارج جهت تأمین مالی بخش خصوصی، به دلیل احتمال قطع ناگهانی جریان ورود سرمایه به داخل، باعث کاهش مقاومت‌پذیری اقتصاد می‌شود. متغیرهای جزء آن، سهام و تغییرات بیش از سه سال از اعتبار خصوصی سپرده پولی بانک‌ها به تولید ناخالص داخلی و نسبت مطالبات ساکنان این کشور توسط بانک‌های خارجی به تولید ناخالص داخلی است.

نمودار ۶. روند تغییرات متغیر بدهی بخش خصوصی طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: بانک جهانی

با توجه به نمودار ۶ بدهی بخش خصوصی روند رو به رشدی را در دوره مورد بررسی نشان می‌دهد. بیشترین میزان این متغیر در سال ۱۳۹۰ اتفاق افتاده است که سیاست‌های پولی انبساطی بانک مرکزی از سال ۱۳۸۶ مهم‌ترین علت آن است. در دولت دهم سیاست‌های انقباضی پولی تا حدودی در پیش گرفته شد که نتیجه آن افت نسبی شاخص بدهی بخش خصوصی است و رکود حاکم بر بازار در این دوران توانست حجم این بدهی‌ها را کاهش قابل توجهی دهد و در انتهای دوره از سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت یازدهم و سیاست‌های انقباضی، کاهش نسبی شاخص را شاهد هستیم.

۷-۱. حکمرانی خوب

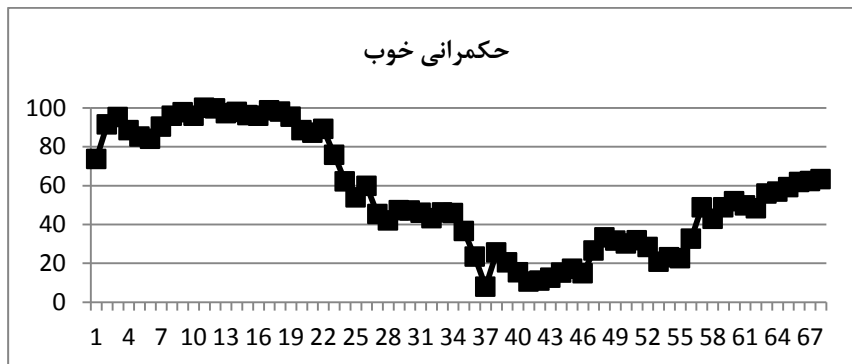
حکمرانی خوب الگویی است که در پی ناکارآمدی سازوکارهای پیشین توسعه توسط کشورهای توسعه‌یافته و مجامع بین‌المللی ارائه شده است. حکمرانی خوب طبق تعریف عبارت است از نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که به وسیله آن جامعه، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق تعامل سه بخش دولت، خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند. حکمرانی خوب شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها به شهروندان گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال و حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند. موضوع حکمرانی شایسته با هدف دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌شود که همه اینها با حکمرانی خوب امکان تحقق می‌یابد (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۸۵).

حکمرانی خوب برای یک سیستم اقتصادی و عملکرد صحیح آن و برای مقاومت‌پذیری ضروری است. حکومت‌داری با مسائلی مانند حاکمیت قانون و حقوق مالکیت در ارتباط است. بدون سازوکارهایی از این نوع، شوک‌های جانبی به راحتی می‌توانند منجر به هرج و مرج اقتصادی، اجتماعی و ناآرامی شوند. از این رو، آثار آسیب‌پذیری بزرگ می‌شود. از سوی دیگر، حکمرانی خوب می‌تواند انعطاف‌پذیری اقتصاد را تقویت کند.

بانک جهانی حکمرانی خوب را بر اساس شش ویژگی اعتراض و پاسخگویی، ثبات سیاسی و فقدان خشونت، اثربخشی دولت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند. شش شاخص معرفی شده در واقع اساس کار سه اقتصاددان یعنی کافمن، کری و ماستروزی است که بانک جهانی نیز به تبعیت از کار ارزشمند این سه اقتصاددان گزارش و مقایسه‌های خود را بر اساس همین شش شاخص ارائه می‌کند. شش شاخص بالا در قالب شاخص‌های WGI محاسبه و ارائه می‌شود. هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر باشد و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و

خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه مناسب تر است.

نمودار ۷. روند تغییرات متغیر حکمرانی خوب طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: بانک جهانی

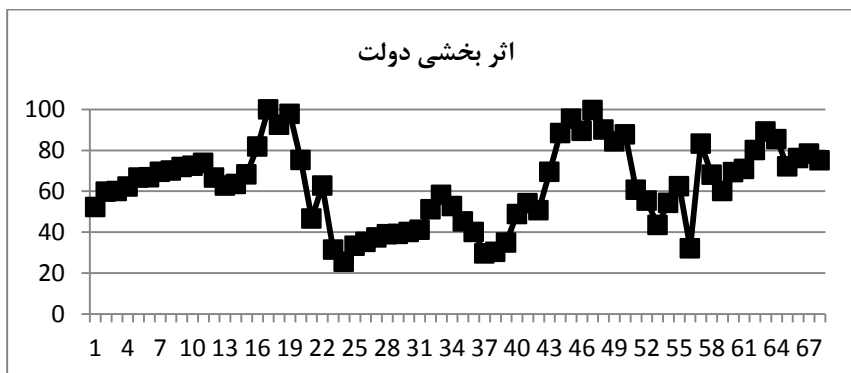
همان‌طور که در نمودار ۷ مشاهده می‌شود مقدار این شاخص در سال‌های ۸۳-۱۳۷۹ اعداد مناسبی را نشان می‌دهد که در ادامه با کاهش شاخص مواجه شدیم که این شاخص تا سال ۱۳۸۹ نیز ادامه یافته است و پس از آن رشد شاخص حکمرانی را شاهد هستیم.

۸-۱. اثربخشی دولت

قدرت، ظرفیت و اعتبار بیشتر دولتمردان برای طراحی سیاست‌ها باعث می‌شود اقتصاد بهتر و سریع‌تر به شوک‌ها پاسخ دهد. افزایش ظرفیت دولت برای دنبال کردن این سیاست‌ها، به احتمال بیشتر باعث تحریک مثبت بخش خصوصی شده و در نتیجه مقاومت بیشتری را برای اقتصاد به ارمغان خواهد آورد. زیرشاخص‌های این مفهوم کیفیت بوروکراسی و توانایی اجرای روبه‌جلوی این سیاست‌ها را نشان می‌دهد.

برای اندازه‌گیری این شاخص از امتیاز کیفیت دیوان‌سالاری که توسط WGI برای محاسبه زیرشاخص‌های اثربخشی دولت و همچنین متوسط ۲ نمره: سازگاری سیاست و برنامه‌ریزی و بوروکراسی روبه‌جلو که مانند بالا توسط WGI محاسبه می‌شود، استفاده می‌گردد.

نمودار ۸. روند تغییرات متغیر اثربخشی دولت طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: بانک جهانی

روند تغییرات این شاخص در نمودار ۸ نمایش داده شده است. بیشترین میزان این متغیر در سال ۱۳۸۳ و همچنین سال ۱۳۹۱ به دست آمده است و کمترین میزان آن در سال ۱۳۸۵ حاصل شده است. در طی دوره مورد بررسی تغییرات کلی خنثی بوده و مسیر رو به رشد یا نزول را طی نکرده است و تا حدودی می‌توان گفت فراز و نشیب‌های شاخص در طی دوره یکدیگر را خنثی نموده است. بیشترین افت شاخص طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۵ و بیشترین روند صعودی طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۱ رخ داده است.

۹-۱. پایداری اقتصاد کلان

در توصیف یک محیط اقتصاد کلان بر پنج شاخص نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره و وضعیت مالی دولت و وضعیت تراز پرداخت‌ها تأکید می‌شود. در صورتی که کسری بودجه (به صورت نسبی از GDP) در سطح معقولی باشد و نرخ تورم نیز کم و قابل پیش‌بینی باشد، نرخ واقعی ارز رقابتی و نزدیک به سطح تعادلی و وضعیت نرخ بهره و تراز پرداخت‌ها مناسب رشد و توسعه باشد، محیط اقتصاد کلان شرایط باثباتی خواهد داشت. این تصویری است که عموماً در کشورهای پیشرفته مشاهده می‌شود. در مقابل، کشورهای در حال توسعه غالباً با نرخ‌های بالا و متغیر تورم، کسری بودجه فزاینده و ناپایدار نوسانات شدید نرخ واقعی ارز و کسری مزمن تراز پرداخت‌ها مواجه هستند.

ثبات اقتصاد کلان مبنای اصلی رشد پایدار اقتصادی است، زیرا پس انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات، تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد. رشد پایدار اقتصادی مستلزم کارکرد آزاد و رقابتی قیمت‌ها و ایجاد یک محیط امن اقتصادی برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بوده و در این ارتباط ثبات اقتصاد کلان می‌تواند نقش بسیار مؤثری داشته باشد. به‌علاوه ثبات اقتصاد کلان درباره جهت سیاست‌های اقتصادی و اعتبار متولیان پولی و مالی کشور در مدیریت کارآمد اقتصادی برای بخش خصوصی، علائم مهمی به دنبال دارد (خلیلی عراقی و رمضان‌پور، ۱۳۸۰: ۲).

ثبات اقتصاد کلان با متغیرهایی که با عدم تعادل مرتبط هستند مانند تغییرات قیمتی، کسری بودجه و بدهی دولت، پرداخت‌های تراز حساب‌های جاری، بیکاری و نرخ ارز اندازه‌گیری می‌شود. یکی از آشکارترین این عدم تعادل‌ها، نوسان تولید ناخالص داخلی است که اقتصاد را به سمت ناپایداری سوق می‌دهد. بریگاگیو و دیگران^۱ (۲۰۰۶) در مقاله «همبستگی ثبات اقتصادی و انعطاف‌پذیری اقتصاد» بیان می‌کند که ثبات در اقتصاد در ارتباط مستقیم بین برهمکنش تقاضا و عرضه کل در اقتصاد است. اقتصاد در شرایط تعادل داخلی خواهد بود اگر موقعیت مالی پایدار داشته باشد، تورم قیمتی قابل قبول باشد و نرخ بیکاری به نرخ طبیعی نزدیک باشد، همچنین اقتصاد در تعادل خارجی نیز در موقعیت تعادل پرداخت‌های حساب جاری منعکس می‌شود. این متغیرها به‌شدت تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی هستند و می‌توانند شاخص‌های مناسبی برای انعطاف‌پذیری اقتصادی در مواجهه با شوک‌های مضر باشند. مؤلفه‌های ثبات اقتصادی مرتبط با شاخص انعطاف‌پذیری به‌وسیله بریگاگیو بیان شده است. این مؤلفه‌ها شامل سه متغیر هستند:

✓ نسبت کسری بودجه به GDP؛

✓ شاخص فلاکت که به‌وسیله جمع نرخ بیکاری و تورم ساخته می‌شود؛

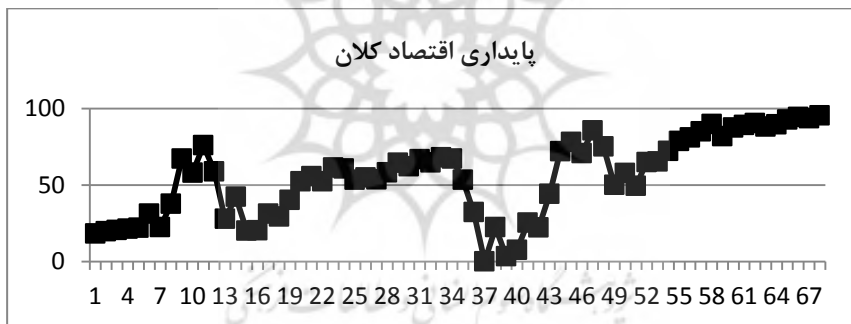
✓ نسبت کسری تراز تجاری به GDP.

موقعیت بودجه‌ای دولت با انعطاف‌پذیری طبیعی آن در مقابله با شوک‌ها مرتبط است. به این دلیل که جایگاه بودجه‌ای سالم به دولت اجازه می‌دهد که مخارج و مالیات‌های خود را متناسب با شوک‌های مضر تعدیل کند.

تورم قیمت‌ها و بیکاری با انعطاف‌پذیری یا عدم آن همبستگی دارند به این دلیل که اگر اقتصاد در شرایط با بیکاری و تورم اندک باشد، شوک‌های مضر هزینه‌های رفاهی زیادی بر جامعه تحمیل نخواهد کرد. در نتیجه بیکاری و تورم در جذب شوک‌ها ماهیت منطقی دارند.

نسبت کسری تراز تجاری به GDP معیار مناسبی برای سنجش مقاومت‌پذیری است، به این دلیل که یک کشور با تراز تجاری منفی برای کنترل شوک‌های برون‌زا، دچار مشکلات عدیده‌ای در کنترل نرخ ارز و ثبات اقتصادی است. لذا این متغیر میزان انعطاف‌پذیری در خنثی کردن شوک‌ها را برآورده می‌کند.

نمودار ۹. روند تغییرات متغیر پایداری اقتصاد کلان طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: بانک جهانی و محاسبات تحقیق

نمودار ۹ نشان می‌دهد روند پایداری اقتصاد کلان، روندی صعودی است. هرچند در دوره‌های مختلف دارای نوساناتی بوده است. در سال ۱۳۸۸ به علت سیاست‌های پولی و مالی انبساطی دولت نهم کمترین میزان پایداری اقتصاد کلان را شاهد هستیم که در ادامه روند رو به رشد این شاخص نشان از بهبود وضعیت اقتصادی کشور است. در سال ۱۳۹۱ نیز با جهش تورم و افزایش نرخ ارز ناشی از وضع تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان این شاخص روند رو به نزولی را تجربه کرده است که با روی کار آمدن دولت یازدهم و اقدامات دولت جهت

نظم‌بخشیدن به سیاست‌های پولی و مالی، وضعیت شاخص صعودی شده و روند باثباتی را در شاخص مشاهده می‌کنیم.

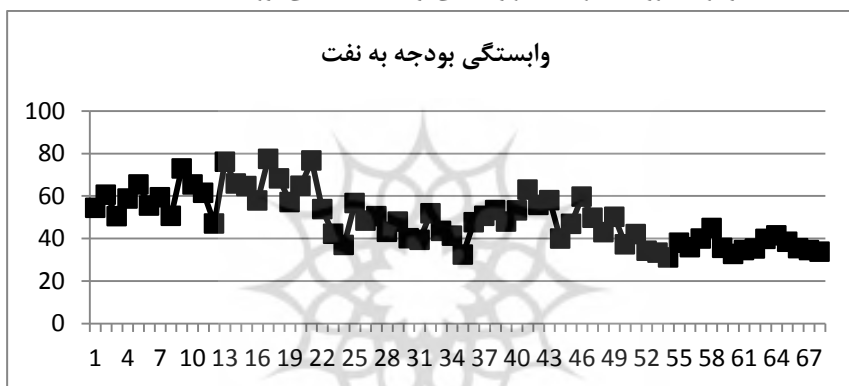
۱-۱۰. وابستگی بودجه به نفت

اگرچه افزایش قیمت نفت باعث افزایش تولید ناخالص ملی (شامل درآمد نفتی) برای کشورهای صادرکننده نفت می‌شود، اما باید در نظر داشت که مصرف‌کننده نهایی محصولات و مشتقات نفتی، به‌طور عمده کشورهای درحال توسعه هستند. به دلیل این که کشورهای صادرکننده نفت اغلب خود به دلیل عدم توانایی و نداشتن فناوری لازم برای فرآوری نفت خام، واردکننده محصولات و مشتقات نفتی هستند، بنابراین افزایش قیمت نفت باعث افزایش بهای تمام‌شده محصولات تولیدشده توسط کشورهای صنعتی می‌شود که این نیز منجر به افزایش ارزش ریالی واردات کشورهای درحال توسعه، از جمله ایران می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود رابطه بین افزایش درآمد نفتی با افزایش شاخص‌های بازار سهام یک رابطه منفی باشد.

عوااید حاصل از فروش نفت در کشورهای صادرکننده آن نقش عمده‌ای در افزایش رونق و رفاه عمومی این کشورها دارد. این عوااید جزء درآمدهای دولت و درآمد ملی این کشورها محسوب شده و می‌توان آن را هم از طریق سرمایه‌گذاری داخلی و هم از طریق سرمایه‌گذاری خارجی در راه توسعه اقتصادی به کار برد (مهرآرا و حائری، ۱۳۸۷). ایران با دارا بودن ۱۱/۳۱ درصد از ذخایر نفتی جهان یکی از غنی‌ترین کشورهای نفت خیز و به‌عنوان چهارمین کشور دارای ذخایر نفتی جهان محسوب می‌شود (نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۹۱). در واقع نفت و درآمدهای حاصل از تولید و فروش آن، عملکرد و کارایی کل اقتصاد را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. بنابراین درآمدهای نفتی نقش استراتژیکی در ساختار اقتصاد ایران دارند. از طرفی، ایران به‌عنوان دومین تولیدکننده بزرگ در میان کشورهای صادرکننده نفت اوپک، یک عرضه‌کننده مهم و اصلی نفت در بازار جهانی انرژی است که هم می‌تواند بر بازار جهانی نفت اثر بگذارد و هم از آن تأثیر بپذیرد (نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی، سه‌ماهه چهارم، ۱۳۹۱). در این موقعیت هر تکانه‌ای به بازارهای نفت می‌تواند درآمدهای دولت در شرایطی که

وابستگی بودجه دولتی به درآمدهای نفتی بالا باشد، ساختار اقتصاد را از کانال‌های مختلف تحت تأثیر قرار دهد. از آنجا که ارزش سهام، برابر با مجموع تنزیل یافته جریانات نقدی آینده است و این جریانات نقدی تحت تأثیر حوادث و رخداد‌های اقتصاد کلان هستند، در نتیجه می‌توانند تحت تأثیر تکانه نفتی نیز قرار بگیرند. کاملاً منطقی به نظر می‌رسد که بیان شود بازار سهام اطلاعات مربوط به پیامدهای ناشی از تکانه نفتی را جذب و در قیمت‌های سهام انعکاس می‌دهد (جرلند، ۲۰۰۸).

نمودار ۱۰. روند تغییرات متغیر وابستگی بودجه به نفت طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: بانک مرکزی ایران

همان‌طور که در نمودار ۱۰ مشخص است اهمیت نفت در بودجه دولت در ابتدای دوره مورد بررسی حدود ۶۵ درصد می‌باشد که به تدریج افزایش یافته و به حدود ۸۰ درصد رسیده است که از سال ۱۳۸۵ به علت سیاست‌های انبساطی مالی این وابستگی کاهش یافته و به حدود ۶۰ درصد رسیده است. از سال ۱۳۹۱ به علت تحریم نفت ایران و مشکلات فروش نفت، میزان وابستگی بودجه به نفت کاهش یافته است.

۲. پیشینه تحقیق

مهم‌ترین پژوهش‌های انجام شده که به اندازه‌گیری شاخص‌های تاب‌آوری اقتصادی کشورها پرداخته‌اند، کارهای صورت گرفته توسط بریگاگیو و بورمن است که به آنها اشاره شد.

بریگالیو و همکارانش (۲۰۰۶) از دانشگاه مالتا نخستین افرادی بودند که شاخص تاب‌آوری اقتصادی را ارائه دادند. آنها پیش‌تر در سال ۲۰۰۳ شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی را ارائه کرده بودند. آسیب‌پذیری اقتصادی برخی اقتصادها از این حقیقت ناشی می‌شود که اقتصادشان تا حد زیادی تحت تأثیر نیروهای خارج از کنترلشان قرار می‌گیرد که اغلب به خاطر باز بودن اقتصاد و وابسته بودن به دامنه محدودی از محصولات صادر شده، شوک‌های خارجی به راحتی اقتصاد داخلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نخستین مقاله مربوط به بررسی شاخص آسیب‌پذیری در سال ۱۹۹۵ توسط بریگالیو منتشر شد.

بریگالیو و دیگران (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با عنوان «آسیب‌پذیری اقتصادی و تاب‌آوری اقتصادی: مفاهیم و اندازه‌گیری» در سال ۲۰۰۸ میزان مقاومت اقتصادی را در مجموعه‌ای از کشورها با استفاده از یک شاخص موزون که اجزای آن بالا مطرح شده است، بررسی کردند. در این مطالعه، کشور ایران نیز در فهرست کشورهای مورد مطالعه قرار دارد که بین ۸۶ کشور با مقدار شاخص ۰/۵۱۴ رتبه ۶۴ را به خود اختصاص داده است که در بدترین حالت قرار دارد.

بورمن و دیگران (۲۰۱۳) به منظور بررسی توانایی کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور (EMDC) برای مقابله با شوک‌ها، در مقاله‌ای با عنوان «شاخص مقاومت سنتینتال: اندازه‌گیری مقاومت کشورها در مقابل شوک‌ها» مقدار مقاومت این کشورها را بررسی کردند. رویکرد این مطالعه چنین است که با کمک شاخص مقاومت اقتصادی، می‌توان عواملی را شناسایی کرد که توانایی تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور را افزایش می‌دهد تا بتوانند شوک‌های خارجی را جذب و به‌طور مؤثر به آنها واکنش نشان دهند. برای ساخت شاخص مقاومت اقتصادی ۵۲ متغیر در ۱۰ زیرشاخص طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که کشورهای در حال توسعه و بازارهای نوظهور به‌طور قابل توجهی مقاوم‌تر را در برابر شوک‌های خارجی تقویت کرده‌اند. همچنین نتایج حاکی از آن است که شاخص مقاومت اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته به‌ویژه از سال ۲۰۰۳، بدتر شده است.

کمیت‌های سیاست‌های توسعه سازمان ملل متحد برای تعیین کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته نسخه نهایی از این شاخص موسوم به CDP-EVI ارائه کرد. این شاخص برای منعکس کردن خطر شوک‌های برون‌زا تولید شده است. البته توسعه‌دهندگان این شاخص معتقد هستند که این شاخص توانایی محاسبه تلاطم ایجاد شده توسط متغیرهای ناشی از سیاست را ندارد. این شاخص از دو جزء اصلی تشکیل شده است، یکی اندازه شوک و دیگری میزان قرارگرفتن در معرض شوک. هر کدام از این دو جزء از اوزان برابری برخوردار هستند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

شاخص‌های بورمن و بریگاگیو، می‌تواند نقطه شروع خوبی باشد، اما به دلایل متعدد نمی‌تواند ما را از تلاش‌های بومی برای کمی‌سازی این مفهوم بی‌نیاز کند. شاخص‌های بالا برای اقتصاد ایران به نحو عینی قابل بهره‌گیری نیستند و نیازمند تعدیل می‌باشند، زیرا تلقی داخلی از اقتصاد مقاومتی اندکی متفاوت از برداشت رایج است. به این معنا که مفهوم مقاومت اقتصادی در شاخص‌های جهانی صرفاً با ریسک‌های موقت و ناگهانی که از خارج به اقتصاد وارد می‌شود، مرتبط است. فرض مندرج در آن مفهوم گذرابودن و استثنا بودن موقعیت تکانه و به تبع موقعیت مقاومت است. در حالی که مفهوم پردازی اقتصاد مقاومتی در داخل مبتنی بر فرض استمرار و فشار خارجی و به تبع شرایط مقاومت است. تصریح به اینکه اقتصاد مقاومتی نه یک نسخه کوتاه‌مدت، بلکه راهبردی بلندمدت به شمار می‌رود، ناظر به همین تفاوت است. نوع سیاست‌های مقاومت اقتصادی نیز تا حد زیادی ناشی از نوع تکانه‌هایی است که برای یک اقتصاد متصور است و فرض شاخص‌های رایج آن است که تنها تکانه‌های صرفاً اقتصادی غیرتعمدی می‌تواند منشأ آسیب شود. این در حالی است که شوک‌های ناشی از سیاست خصمانه اقتصادی مورد توجه قرار نگرفته است و به همین دلیل هم در اجزای شاخص مقاومت جایی ندارد. به بیان دیگر، برخلاف تعاریفی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه‌مدت می‌دانند، رویکرد بومی، چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. در این رویکرد، ما در پی اقتصاد

ایده‌ال هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد نخست منطقه برساند. بدین معنا اساساً در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی، ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود (پیغامی، ۱۳۹۱: ۳).

برای تولید شاخص اقتصاد مقاومتی ۱۰ متغیر که در بالا توضیح دادیم، استفاده می‌کنیم. این متغیرها بر اساس مطالعات انجام‌شده توسط بریگاگلیو و بورمن به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر مقاومت‌پذیری اقتصاد و بر اساس میزان دسترسی به داده‌ها در اقتصاد ایران استخراج شده‌اند. برای اندازه‌گیری میزان مقاومت اقتصادی باید متغیرها نرمال‌سازی و استاندارد شوند تا قابلیت ترکیب شدن داشته باشند. برای محاسبه شاخص‌ها سه گام وجود دارد:

۱. هم‌جهت کردن متغیرها: متغیرهایی که با مقاومت اقتصادی رابطه منفی دارند، برای هم‌جهت شدن عکس می‌شوند.

۲. نرمال‌سازی متغیرها: تمامی متغیرها طی فرایند نرمال‌سازی به مجموعه جدیدی تبدیل می‌شوند که در آن همه مقادیر بین صفر و یک قرار دارند. در این حالت می‌توان مقادیر تمامی متغیرها را با هم مقایسه کرد.

$$Z_i = \frac{X_i - X_{\min}}{X_{\max} - X_{\min}} \quad (1)$$

X_{\max} : حداکثر مقدار داده‌ها است. X_{\min} : حداقل امکان داده‌ها، X_i : مقدار هر یک از داده‌ها و Z_i : استاندارد شده شاخص است.

۳. وزن‌دهی: مقاوم‌بودن یک اقتصاد مستلزم این است که تمام متغیرها مقادیر مطلوبی داشته باشند. اگر یکی از این متغیرها صرف‌نظر از میزان اهمیت آن در اقتصاد در وضعیت نامناسبی قرار داشته باشد، با توجه به اثرات بازخوردی که دارد تاب‌آوری یک اقتصاد را به خطر می‌اندازد.

به تبعیت از مطالعات انجام‌گرفته در خارج در حوزه تاب‌آوری، وزن برابر به تمام متغیرها داده شده است. درنهایت شاخص مقاومت اقتصادی عددی بین صفر و یک به دست خواهد آمد که هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده مقاومت کمتر اقتصاد و هرچه مقدار شاخص به یک نزدیک‌تر باشد، مقاومت بیشتر را نشان می‌دهد.

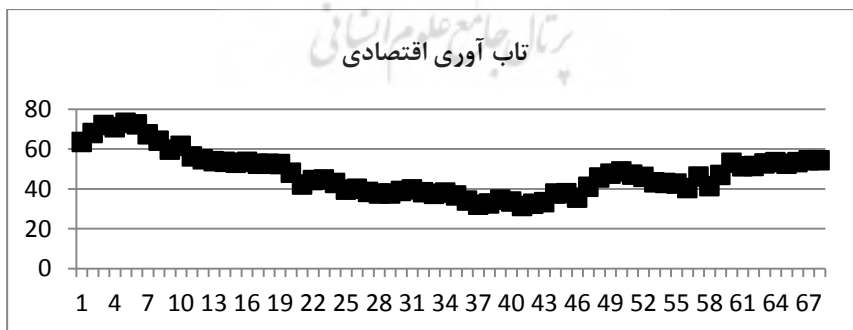
داده‌های این مقاله از بانک اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی ایران و بانک جهانی اخذ شده است. این داده‌ها به صورت فصلی و دوره زمانی ۱۷ ساله از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵ را شامل می‌شوند.

۴. اندازه‌گیری شاخص تاب‌آوری اقتصادی

مبنای محاسبه شاخص تاب‌آوری اقتصادی، کار تجربی بورمن و همکاران است که در سال ۲۰۱۳ به منظور بررسی توانایی کشورهای در حال توسعه و نوظهور (EMDS) برای مقابله با شوک‌ها ارائه شد که برای ساخت شاخص از ۵۲ متغیر در ۱۰ زیرشاخه استفاده شده است. به دلیل در دسترس نبودن داده‌های مربوط به برخی از این متغیرها برای کشور ایران، برخی متغیرها حذف و برخی شاخص‌های دیگر جایگزین شد. مقاوم بودن یک اقتصاد مستلزم این است که تمام متغیرها مقادیر مطلوبی داشته باشند. اگر یکی از این متغیرها صرف نظر از میزان اهمیت آن در اقتصاد در وضعیت نامناسبی قرار داشته باشد، با توجه به اثرات بازخوردی که دارد مقاومت یک اقتصاد را به خطر می‌اندازد.

به تبعیت از مطالعات انجام گرفته در حوزه تاب‌آوری، وزن برابر به تمام متغیرها داده شده است. در نهایت شاخص مقاومت اقتصادی بین صفر و یک خواهد بود که هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، مقاومت کمتر و هرچه مقدار شاخص به یک نزدیک‌تر باشد، مقاومت اقتصادی کشور بیشتر است.

نمودار ۱۱. روند تغییرات متغیر تاب‌آوری اقتصادی طی دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵



مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به نمودار ۱۱ شاخص مقاومت اقتصادی تا سال ۱۳۸۰ دارای روند

افزایشی بوده که در ابتدای سال ۱۳۸۰ به بالاترین رقم خود یعنی ۰,۷۳ رسیده است که نشان می‌دهد وضعیت تاب‌آوری اقتصادی ایران مطلوب بوده است. در ادامه از سال ۸۱-۱۳۸۰ با کاهش همراه بوده و به رقم ۰,۶ می‌رسد. سپس با یک افزایش موقت در سال ۱۳۸۱ روند کاهشی خود را ادامه داده که در سال ۱۳۸۸ به کمترین میزان خود (۰,۳۱) رسیده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در این سال پایداری اقتصاد کلان نیز کمترین میزان خود را تجربه کرده است. بعد از این سال کاهش، روند رو به رشد شاخص تاب‌آوری اقتصادی را شاهد هستیم که تا سال ۱۳۹۰ ادامه می‌یابد و با اتفاقاتی که در سال ۱۳۹۱ و وضع تحریم‌های بین‌المللی رخ داده است، این شاخص کاهش می‌یابد. از سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت یازدهم روند صعودی شاخص را شاهد هستیم.

نتیجه‌گیری

تاب‌آوری اقتصادی به توانایی اقتصاد در جذب شوک‌های خارجی یا مقابله با آن و بازیابی و بازسازی سریع آثار منفی شوک بعد وقوع آن می‌گویند. مطالعات نشان داده است که اقتصادهای کوچک بیشتر در معرض آسیب ناشی از این‌گونه شوک‌ها قرار دارند. نقاط آسیب‌پذیر اقتصاد ناشی از زیرساخت‌های اقتصادی و ذاتی آن است. در حالی که استحکام بخشی به اقتصاد ناشی از سیاست‌گذاری در اقتصاد است. در مجموع دو سطح شاخص‌سازی در جهت اقتصاد مقاومتی قابل طرح است:

نخست، شاخص‌سازی برای احکام سیاستی و قانونی ذیل اقتصاد مقاومتی همانند معرفی شاخص‌هایی برای درجه تحقق سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی رهبر معظم انقلاب که این شاخص‌ها می‌تواند نهادهای نظارتی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی را در ایفای دقیق رسالت نظارتی خود یاری رساند.

دوم، شاخص‌سازی برای رصد مسیر حرکت شاخص‌های کلان اقتصادی که آیا آسیب‌پذیری خارجی و توان مقاومت داخلی در جهت بهبود است یا خیر؟ این شاخص‌ها ممکن است به صراحت در احکام قانونی درج نشده باشند، اما تصویر کلان خوبی از موقعیت اقتصاد کشور در مسیر مقاومت و تاب‌آوری ارائه می‌دهند.

در این مقاله به محاسبه میزان تاب‌آوری اقتصاد ایران در دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۵ پرداختیم. مبنای محاسبه شاخص تاب‌آوری اقتصادی، کار تجربی بورمن و همکاران که در سال ۲۰۱۳ به‌منظور بررسی توانایی کشورهای در حال توسعه و نوظهور (EMDS) برای مقابله با شوک‌ها، ارائه شد. به تبعیت از مطالعات خارجی انجام گرفته در حوزه تاب‌آوری، وزن برابر به تمام متغیرها داده شده است. در نهایت شاخص تاب‌آوری اقتصادی استخراج گردید. این شاخص هرچه به صفر نزدیک‌تر باشد، تاب‌آوری کمتر و هرچه مقدار شاخص به یک نزدیک‌تر باشد، تاب‌آوری اقتصادی کشور بیشتر است.

شاخص تاب‌آوری اقتصادی تا سال ۱۳۸۰ دارای روند افزایشی بوده که در ابتدای سال ۱۳۸۰ به بالاترین رقم خود یعنی ۰,۷۳ رسیده است که نشان می‌دهد وضعیت تاب‌آوری اقتصادی ایران مطلوب بوده است. از سال ۸۱-۱۳۸۰ با کاهش همراه بوده که در سال ۱۳۸۸ به کمترین میزان خود (۰,۳۱) رسیده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد در این سال پایداری اقتصاد کلان نیز کمترین میزان خود را تجربه کرده است. بعد از این کاهش، روند رو به رشد شاخص تاب‌آوری اقتصادی را شاهد هستیم و با اتفاقاتی که در سال ۱۳۹۱ (افزایش نرخ ارز، کسری تراز تجاری، افزایش نرخ تورم و وضع تحریم‌های بین‌المللی) رخ داده است، این شاخص کاهش می‌یابد. از سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت یازدهم و سیاست‌های پولی، مالی و ارزی و تعاملات بین‌المللی روند صعودی شاخص را شاهد هستیم.

با توجه به نتایج مقاله، دولت باید برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی به شاخص‌های تمرکز تجاری، وابستگی تجاری، سلامت بانکی، وابستگی بودجه به نفت و پایداری اقتصاد کلان توجه بیشتری داشته باشد. هرچند در سال‌های اخیر میزان تاب‌آوری اقتصاد کشور افزایش یافته است، اما می‌توان با ایجاد تنوع در کالاها و کشورهای تجاری، اصلاح نظام بانکداری، افزایش سهم مالیات و کاهش وابستگی بودجه به نفت و حرکت به سمت اقتصاد با ثبات بیشتر از طریق کنترل مناسب تورم و کاهش نرخ بیکاری، بهبود تراز تجاری و کاهش کسری بودجه میزان تاب‌آوری اقتصاد را افزایش داد.

منابع

- آذر، عادل و طیبه امیرخانی (۱۳۹۰)، *بودجه‌ریزی عمومی نهادهای بودجه‌ریزی و بودجه محلی*، تهران: سمت.
- آرایی، وحید (۱۳۸۸)، «حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی» *گزارش*، شماره ۶.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۳۸)، *بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی*.
- پورآقایی، سبیده (۱۳۸۳)، «شاخص‌های حکمرانی به روایت بانک جهانی»، *گزارش*، شماره ۱۵۴.
- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه‌ها و سیره حکومت امام علی (ع)»، *دفتر بررسی‌های اقتصادی*.
- رهنورد، فرج‌الله (۱۳۸۸) «مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴»، *گزارش پژوهشی*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت.
- غیاثوند، ابوالفضل، الدار صداقت‌پرست، سمیرا غلامرضا و محسن ثنائی‌اقدام (۱۳۹۲)، «درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی: مروری بر ادبیات جهانی درباره تاب‌آوری ملی»، *گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مطالعات اقتصادی*، شماره مسلسل ۱۳۵۸۲.
- Adger, W. N (2000), "Social and Ecological Resilience: Are They Related?", *Progress in Human Geography*, Vol.24, No.3: 347-364.
- Allison S. D. J. B. H. Martiny (2008), "Resistance, Resilience, and Redundancy in Microbialcommunities", *Proceeding of National Academy of Science*, Vol.105: 11512-11519.
- Boorman, J. Fajgenbaum, J. Ferhani, H. Bhaskaran, M. Arnold, D. & Kohli, H. A. (2013), "The Centennial resilience index: Measuring countries resilience to shock", *Global Journal of Emerging Market Economies*, Vol.5, No.2: 57-98.
- Briguglio, L. (1995), "Small Island States and their Economic Vulnerabilities," *World Development*, Vol.23, No.9: 1615-1632

- Briguglio, L. (1997), "Alternative Economic Vulnerability Indices for Developing Countries", *Report prepared for the Expert Group on Vulnerability Index*, United Nations.
- Briguglio, L. (2003), "The vulnerability index and small island developing states: A review of conceptual and methodological issues", In *AIMS Regional Preparatory Meeting on the Ten Year Review of the Barbados Programme of Action*: Praia, Cape Verde.
- Briguglio, L. (2004), "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements", in Lino Briguglio and Eliawony J. Kisanga Eds. *Economic Vulnerability and Resilience of Small States*, Islands and Small States Institute and Commonwealth Secretariat.
- Briguglio, L. (2002), "The Economic Vulnerability of Small Island Developing States," In *Sustainable Development for Island Societies: Taiwan and the World*. Asia-Pacific Research Program w/SARCS Secretariat Publication, Taiwan
- Cordina, G. (2004), "Economic vulnerability and economic growth: some results from a neo-classical growth modelling approach", *Journal of Economic Development*, Vol.29, No.2: 21-39.
- Cordina, G. (2004), "Economic vulnerability, resilience and capital formation", *Malta: Islands and Small States Institute and London: Commonwealth Secretariat*.
- Crowards, T. (2000), "An index of inherent economic vulnerability for developing countries", In *Staff working paper: 6/00*, Barbados, Caribbean Development Bank.
- Dang, U. (2011), "The CAMEL Rating System in Banking Supervision", A Case Study, Arcada University of Applied Science, *International Business*, viewed 1 August 2014.
- Esty, D. C. Levy, M. Srebotnjak, T. & De Sherbinin, A. (2005), "Environmental sustainability index: Benchmarking national environmental stewardship", New Haven: *Yale Center for Environmental Law & Policy*, 47-60.
- Farrugia, N. (2004), *Economic Vulnerability: developing a new conceptual framework and empirically assessing its relationship with economic growth*, University of Malta.
- Friedman, M. (1997), *A Guide to Developing and Using Performance Measures in Results-Based Budgeting*, prepared for the finance project.
- Handmer, J. W. & Dovers, S. R. (1996), "A typology of resilience: rethinking institutions for sustainable development", *Industrial & Environmental*

- Crisis Quarterly*, Vol.9, No.4: 482-511.
- Holling, C. S. (1973), “Resilience and stability of ecological systems”, *Annual review of ecology and systematics*, Vol.4, No.1: 1-23.
- Human Development Report (2014), *Sustaining Human Progress: Reducing Vulnerability and Building Resilience*, Published for the United Nations Development Programme.
- Pimm, S. L. (1991), *The balance of nature?: ecological issues in the conservation of species and communities*, University of Chicago Press.
- Roman, A. & Şargu, A. C. (2013), “Analysing the financial soundness of the commercial banks in Romania: an approach based on the camels framework”, *Procedia economics and finance*, Vol.6: 703-712.
- Rose, A. (2009), “Economic Resilience to Disasters: CARRI Research Report 8”, *Community and Regional Resilience Initiative*, Oak Ridge, TN.
- Rose, A. & Krausmann, E. (2013), “An economic framework for the development of a resilience index for business recovery”, *International Journal of Disaster Risk Reduction*, Vol.5: 73-83.
- Schwab, K. (2013), “The Global Competitiveness Report 2013–2014”, *World Economic Forum*, USAID.
- The World Bank (2014), *Risk and Opportunity: Managing Risk for Development*, World Development Report.
- UNDP (2003), *Human Development Report 2004: Cultural Liberty in Today’s Diverse World*, Geneva.
- Walker, B. C. S. Holling, S. R. Carpenter and A. Kinzig (2004), “Resilience, Adaptability And transformability” in *Social–ecological Systems, Ecology and Society*, Vol.9, No.2: 1-9.
- Wells, J. (1996), *Composite vulnerability index: a preliminary report*, Commonwealth Secretariat, London.
- World Economic Forum (2013), “Special Report: Building National Resilience to Global Risks”, *Global Risks*.
- Young, R. D (2000), “Performance Based Budgeting Systems, public policy and practice”, An *Electronic journal devoted to Governance an public policy in south Carolina*, Vol.2, No.2: 1-24.